

بیعت و روش سیاسی حکومت علوی

نویسندگان: سید سعید روحانی (fa/article/author/18042/)

منبع: فرهنگ کوثر 1381 شماره 53 (fa/article/journal-)

number/11317/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%DA%A9%D9%88%D8%AB%D8%B1-1381-
(%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-53)

حوزه های تخصصی:

fa/article/field/3363/%D8%AD%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-/ حوزه های تخصصی

(%D8%AA%D8%AE%D8%B5%D8%B5%DB%8C •

fa/article/field/71/%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-/ < علوم اسلامی

(%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C

fa/article/field/2236/%D9%81%D9%82%D9%87-%D9%88-/ < فقه و اصول

(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84

(fa/article/field/2432/%D9%81%D9%82%D9%87/) < فقه

fa/article/field/2504/%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%D9%87-/ < اندیشه و فقه سیاسی

(%D9%88-%D9%81%D9%82%D9%87-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C

fa/article/field/2513/%D9%81%D9%82%D9%87-/ < فقه سیاسی

(%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C

fa/article/field/2515/%D9%85%D9%81%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85-/ < مفاهیم فقه سیاسی

(%D9%81%D9%82%D9%87-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C

مشروعیت و حق حاکمیت <

(/fa/article/field/2518/%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%88-

%D8%AD%D9%82-%D8%AD%D8%A7%DA%A9%D9%85%DB%8C%D8%AA)

دریافت مقاله

آرشیو

آرشیو شماره ها:

۸۰

∨

سال ۱۳۸۹ (۲)

∨

سال ۱۳۸۸ (۴)

∨

سال ۱۳۸۷ (۴)

∨

سال ۱۳۸۶ (۴)

سال ۱۳۸۵ (۴)

سال ۱۳۸۴ (۴)

سال ۱۳۸۲ (۴)

سال ۱۳۸۱ (۴)

سال ۱۳۸۰ (۳)

سال ۱۳۷۹ (۱۲)

سال ۱۳۷۸ (۱۲)

سال ۱۳۷۷ (۱۱)

سال ۱۳۷۶ (۱۲)

چکیده

متن

الف) بیعت با علی علیه‌السلام

پس از آشفته‌گی خلافت اسلامی در زمان عثمان و برقراری نظام طبقاتی جاهلی 1 روز به روز بر مشکلات امر افزوده شد تا عثمان کشته شد؛ مردم مدینه، آنهایی که از دست مظالم عقال و حکام گذشته به تنگ آمده بودند 2 بالاتفاق از کوچک و بزرگ؛ زن و مرد؛ پیر و جوان؛ عرب و غیرعرب، به در خانه علی علیه‌السلام هجوم آوردند و یکصدا اعلام کردند یگانه شخصیت لایق خلافت اسلامی، اوست و او باید خلافت را بپذیرد. 3 به قدری اصرار و ازدحام و اظهار رضایت کردند که خودش مفرماید: «چیزی نمانده بود فرزندانم زیر دست و پای مردم پامال شوند...»:

«وَبَسَطْتُمْ يَدِي فَكَفَفْتُمَهَا، وَ مَدَدْتُمُوهَا فَقَبَضْتُهَا، ثُمَّ تَدَاكُنْتُمْ عَلَيَّ تَدَاكَ الْأَيْبِلِ الْهَيْمِ عَلَى حِيَاضِهَا يَوْمَ وِرْدِهَا، حَتَّى أَنْقَطَعَتِ النَّعْلُ، وَ سَقَطَ الرَّدَاءُ، وَ وُطِئَ الضَّعِيفُ، وَ بَلَغَ مِنْ سُورِ النَّاسِ بَيْنَعْتِهِمْ إِيَّايَ أَنْ ابْتَهَجَ بِهَا الصَّغِيرُ، وَ هَدَجَ إِلَيْهَا الْكَبِيرُ، وَ تَحَامَلَ نَحْوَهَا الْأَعْلِيلُ، وَ حَسَرْتُ إِلَيْهَا الْكِعَابُ. 4؛ شما دست خود را برای بیعت باز مکرديد و من به عکس، به علامت امتناع از قبول، دست خود را ميبستم. ولع و تشنگی نشان داديد مانند شتران تشنه که به آب مرسند. ازدحام به قدری بود که کفشها از پاها و رداها از دوشها افتاد. ضعفا، پامال شدند. مردم مدینه و کسانی که حاضر به بیعت بودند آنقدر اظهار خوشحالی و بهجت کردند تا آنجا که کودکان به پیروی از بزرگان غرق در شادی بودند. پیران شکسته و سالخورده با کمال ضعف و ناتوانی آمدند که بیعت کنند. بیماران با مشقت فراوان از بستر بیماری به خاطر بیعت حرکت کردند و آمدند. حتی زنان و دختران برای بیعت کردن سر از پانمشناختند.» 5

برخی از عواملی که حضرت از پذیرش خلافت امتناع مورزید، عبارتند از:

الف) از بین رفتن زمینه برای اصلاحات و سامان بخشیدن به نظام فرو پاشیده سیاسی؛

ب) نامناسب بودن جو عمومی پس از قتل عثمان؛

ج) عدم آمادگی مردم برای پذیرش آرمانهای اصیل اسلامی؛

د) فقدان امکانات و نیروهای کافی برای اداره امور کشور.

فلسفه پذیرفتن خلافت

علی علیه‌السلام فلسفه پذیرفتن خلافت را بعد از عثمان، به هم خوردن عدالت اجتماعی و منقسم شدن مردم به دو طبقه سیر و گرسنه گرسنه ذکر میکند و مفرماید:

«لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَحَدَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَؤُا عَلَى كَيْطَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ، لِأَقْبَيْتُ حَيْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا...»⁶؛ اگر نبود که عده‌های به عنوان یار و یاور به در خانها آمدند و بر من اتمام حجت شد؛ دیگر اینکه خداوند از دانایان و روشن ضمیران عهد و پیمان گرفته که هر وقت اوضاعی پیش آید که گروهی آنقدر اموال و ثروتها و موهبت‌های الهی را به خودشان اختصاص بدهند و آنقدر بخورند که از پرخوری بیمار شوند و عده‌های آنقدر حقوقشان پایمال شود که مایه سدّ جوعی هم نداشته باشند؛ در همچو اوضاع و احوال، این دانایان و روشن ضمیران نمیتوانند بنشینند و تماشاچی و حدّاكثر متأسف باشند. اگر همچو وظیفه‌های را در حال حاضر احساس نمکردم، کنار مرفتم و افسار خلافت را در دست نمگرفتم و مانند روز اول، پهلو تهی مکردم...»

و چون اینطور برنامه‌های در دوران حکومتش داشت ... 7 مدانست که چه جنجالی به پا خواهد شد؛ لذا با تردید و نگرانی زیر بار خلافت رفت و به مردمی که آمدند بیعت کنند، گفت:

«دَعُونِي وَالتَّمَسُّوا غَيْرِي، فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَ أَلْوَانٌ، لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ...»⁸؛ مرا رها کنید، سراغ کسی دیگر بروید. آینده‌های رنگارنگ و نا ثابت در پیش است. اطمینانی به موفقیت در اجرای آنچه وظیفه اسلامی من به عهده من گذاشته نیست. آشفته‌گها در جلو است که دلها ثابت نمانند و افکار متزلزل مگردد و همین شماها که امروز آمده‌اید، وقتی که دیدید راه بسیار دشواری است، از وسط راه ممکن است برگردید. ...

بدانید اگر من این دعوت را پذیرفتم، آنطور که خودم مدانم و مفهمم و طبق برنامه‌های که خودم دارم، عمل میکنم و به حرف و توصیه احدی هم گوش نخواهم کرد. بلی اگر مرا به حال خود واگذارید و مسؤولیت حکومت و خلافت را بر عهده من نگذارید، من معذورم و مثل گذشته، حکم یک مشاور خواهم داشت.⁹

(ب) روش سیاسی حکومت علوی علیه‌السلام

1) مبارزه با تبعیضات اجتماعی

در یک جریان بحرانی عظیم، در کشور اسلامی بود که امیرالمؤمنین زمام امور را به دست گرفت. تخمهای فتنه و آشوب از سالها پیش کاشته شده بود. روزگار، آبستن حوادث ناگواری بود که نوبت خلافت به علی علیه‌السلام رسید. امیرالمؤمنین با کرامت و توجه به سختها، زمامداری را قبول کرد¹⁰ و پس از عهده‌دار شدن مسؤولیت، دو کار را وجهه همت و در رأس برنامه خود قرار داد:

یکی پند و اندرز و اصلاح روحیه و اخلاق مردم و بیان معارف الهی که نمونهاش «نهج‌البلاغه» است. و دیگر مبارزه با تبعیضات اجتماعی.¹¹

علی علیه‌السلام راجع به قطایع عثمان، یعنی اراضای که متعلق به عامه مسلمین است و عثمان آنها را در تیول اشخاص قرار داده بود، فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ، وَ مُلِكَ بِهِ الْأَمْوَاءُ لَرَدَدْتُهُ.»¹²؛ به خدا قسم! زمینهایی که متعلق به عامه مسلمین است و عثمان به این و آن داده، پس خواهم گرفت؛ هرچند آنها را مهر زنانشان قرار داده باشند یا با آنها کنیزکانی خریده باشند.¹³

2) صراحت و صداقت در سیاست

امیرالمؤمنین در دوران خلافتش صراحت به خرج داد. سیاست او صریح بود. نمخواست کاری را که میخواهد بکند، در دلش مخفی نگه دارد... با اعلام این برنامه از همان روزهای اول، مخالفت با حکومت علی علیه‌السلام آغاز شد. اولین مخالفت رسمی در شکل «جنگ جمل» متجلی گردید. طلحه و زبیر، دو شخصیت خدمتگزار اسلام در زمان پیامبر بودند، ولی در دوره عثمان به دلیل وضع مخصوص دستگاه خلافت و رشوه‌های کلانی که عثمان به آنها میداد، به صورت ثروتمندان بزرگی در آمده بودند و حالا مدیدند که علی علیه‌السلام قصد مصادره اموالشان را دارد...¹⁴

به دنبال جنگ جمل، «جنگ صفین» به پا شد. معاویه که از بستگان عثمان بود، حدود بیست سال فعال مایشاء و حاکم مطلق منطقه سوریه بود و در این مدت توانسته بود پایه‌های حکومتش را به اندازه کافی مستحکم کند. علی علیه‌السلام بعد از بیعت، فرموده بود: «من به هیچوجه حاضر نیستم پای ابلاغ معاویه را امضا کنم...» به دنبال این پاسخ، معاویه جنگ صفین را به راه انداخت.

به دنبال جنگ صفین، «جنگ خوارج» بر پا شد، که ماجرایش را همه کم و بیش بدانید. نتیجه این شد که در مدت چهار سال و چند ماه خلافت علی علیه‌السلام به علت حساسیتی که حضرت در امر عدالت داشت، دائماً در حال مبارزه بود و آنی راحتش ننگداشتند.

3) انعطاف ناپذیری در امر عدالت

او حکومت را برای اجرای عدالت مخواست و همین شدت عدالتخواهی بالأخره منجر به شهادتش در محراب شد. 15 درست است که «و قُتِلَ فِي مِحْرَابِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ» آن تصلب و انعطاف ناپذیری در امر عدالت برایش دشمنها درست کرد؛ جنگ جمل و جنگ صفین به پا کرد؛ اما در نهایت، دست جهالت و جمود و رکود فکری از آستین مردمی که به نام «خوارج» نامیده شدند، بیرون آمد و علی علیه‌السلام را شهید کرد. 16 دوره خلافت برای علی علیه‌السلام از تلخترین ایام زندگی او به حساب می‌آید. اما از نظر مکتبش، او موفق شد بذر عدالت را در جامعه اسلامی بکارد. ...

روش علی علیه‌السلام به وضوح به ما مآموزد که تغییر رژیم سیاسی و تغییر و تعویض پستها و برداشتن افراد ناصالح و گذاشتن افراد صالح به جای آنها، بدون دستزدن به بنیادهای اجتماع از نظر نظامات اقتصادی و عدالت اجتماعی، فایدهای ندارد و اثربخش نخواهد بود. 17

4) عدم گذشت در مسایل اجتماعی

روزی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام - طبق عادتی که در ایام خلافت داشت که خود تنها معرفت و حتی در جاهای خلوت معرفت و شخصا اوضاع و احوال را تفتیش میکرد 18 - در یکی از کوچه باغهای کوفه راه معرفت؛ یک وقت فریادی شنید: ... [معلوم شد [جنگ و دعوی... بین دو نفر [که [با هم رفیق هستند [در گرفته بود]. وقتی امام خواست ضارب را جلب کند و ببرد، مضروب گفت: من از او گذشتم. امام فرمود: بسیار خوب... از حق خودت گذشتی؛ اما یک حقی هم سلطان... و حکومت دارد و یک مجازاتی هم حکومت باید بکند؛ این را دیگر تو نمیتوانی بگذری [زیرا] به تو مربوط نیست. غرضم این است که از حق عمومی نمیتوان گذشت و در موارد حق عمومی، اسلام هم ننگذرد. 19 اسلام در مسائل اجتماعی ننگذرد. چون این گذشت مربوط به شخص نیست، مربوط به فرد نیست؛ مربوط به اجتماع است. 20

5) وفای به عهد و پیمان

از کلمات علی علیه‌السلام [این است که]: «وفای به عهد و پیمان و صداقت و راستی، قرین یکدیگرند. من سپری بهتر از وفا سراغ ندارم. کسی که به بازگشت به سوی خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد هرگز با مردم با غدر و فریب رفتار نمکند.» 21 از نظر علی علیه‌السلام مسئله وفای به پیمان، یک مسئله عمومی و انسانی است. در فرمان معروفی 22 که به فرماندار خود... مالک اشتر منویسد، یکی از دستورهایش این است که: «مبادا با مردمی عهد و پیمان برقرار کنی و بعد هر جا که دیدی منفعت این است که عهد و پیمان را نقض کنی، آن را نقض نمایی.» بعد حضرت استناد میکند به جنبه عمومی و بشری عهد و پیمان، که اگر بنا شود پیمان در میان بشر احترام نداشته باشد، دیگر سنگ روی سنگ نمایستند.

«وَ إِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ لَكَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدَكَ بِالْوَفَاءِ.» 23؛ اگر با دشمن خودت پیمانی بستی یا آنها را با شرایط ذمه قبول کردی (به پیمان وفادار باش).

«وَ أَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ؛ عَهْدَهُ خُودَتِ رَا كَه پیمان بستی به امانت رعایت کن و خودت را سپر قوی که دادهای قرار بده.»

«فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ، النَّاسُ أَسَدٌ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَ تَشْتَاتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْغُهِودِ؛ از فرائض الهی هیچ فریضهای نیست که مردم با همه اختلاف سلیقهها و اختلاف عقیدهها، در آن به اندازه این فریضه متفق باشند (حالا عمل بکنند یا نکنند، مسئله دیگری است) و آن، این است که پیمان را باید وفا کرد.» 24

6) دیدگاه علی علیه‌السلام نسبت به خواص

علی علیه‌السلام درباره طبقه خاصه در فرمان معروف مالک اشتر منویسد:

«وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَوْوَنَةً فِي الرَّخَاءِ، وَ أَقْلَ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ، وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ، وَ أَسْأَلَ بِالْأَعْيُنِ، وَ أَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْعَطَاءِ، وَ أَبْطَأَ عُدْرًا عِنْدَ الْمُنْعِ، وَ أَضْعَفَ ضَبْرًا عِنْدَ مِلْمَاتِ الدَّهْرِ، مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ. وَ أَمَّا عَمُودُ الدِّينِ وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ. فَلْيَكُنْ صَعُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلُكَ مَعَهُمْ؛ 25 برای والی هیچکس پرخرجتر در هنگام سستی، کم کمتر در هنگام سختی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقعتر، ناسپاستر، عذر ناپذیرتر و کمطاقتر در شاداید، از طبقه

خاصه نیست. همانا استوانه دین و نقطه مرکزی واقعی مسلمین و مایه پیروزی بر دشمن، عامه مردم میباشند. توجه تو همواره به عامه مردم معطوف باشد نه به خاصه.»

علی علیهالسلام چقدر خوب روحیه خاصه، یعنی طبقه ممتاز را که عزیزهای بجهت اجتماعاند، توصیف و تشریح کرده است! (7 مساوات در تقسیم بیتالمال

از همان ابتدا که علی علیهالسلام زمام امور را به دست گرفت، بعضی از دوستان و علاقهمندان آن حضرت راجع به دو موضوع پیشنهادهایی داشتند و در حقیقت به سیاست آن حضرت اعتراض داشتند...

یکی، خون عثمان که مستمسک اصحاب جمل و اصحاب صفین بود؛ در صورتی که خود آنها در آن کار دست داشتند. و یکی داستان حکمین که مستمسک خوارج بود و خود آنها به وجود آورنده آن داستان بودند.

اکنون عرض میکنم که دو موضوع دیگر هم بود که بعضی دیگر از راه خیرخواهی و کمک به امیرالمؤمنین پیشنهاد میکردند ولی برای آن حضرت اخلاقا مقدور نبود که بپذیرد. آن دو موضوع؛ یکی، تقسیم بیتالمال بود که آن حضرت امتیازی برای بعضی نسبت به بعضی قائل نمشد. فرقی میان عرب و عجم، ارباب و غلام، قریشی و غیرقریشی نمگذاشت. و یکی دیگر، به کار بردن اصل صراحت و امانت و صداقت در سیاست بود که به هیچ وجه حاضر نبود دزهای از آن منحرف شود و تا حدی اصول تزویر و فریب و نیرنگ را به کار ببرد...

راجع به تقسیم عللالسویه و رعایت اصل مساوات و تبعیض قائل نشدن، مفرماید:

«أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ؟ وَاللَّهِ لَا أُطَوِّبُهُ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ؛ 27 به من پیشنهاد میکنید موقوفیت را از راه جور و ستم بر مردمی که رعیت من هستند، تأمین کنم؟ به خدا قسم که تا دنیا، دنیاست چنین چیزی برای من ممکن نیست.»

«لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ؛ 28 اگر اینها مال شخصی خودم میبود و میخواستم بر مردم تقسیم کنم، تبعیضی قائل نمیشدم تا چه رسد به اینکه بیتالمال است. مال خداست و ملک شخصی کسی نیست.»

«أَلَا وَ إِنَّ إِيَّاهُ الْمَالُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ، وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ 29 مال را در غیر مورد، مصرف کردن و به غیر مستحق دادن، اسراف و تضييع است؛ این کار، کننده خود را در دنیا بالا میبرد اما در آخرت پایین مآورد. در نزد مردم دنیا و اهل طمع، عزیز و محترم میکند ولی در نزد خدا خوار و بمقدار مسازد؛»
«... و از شکرگزاری و سپاسگزاری آنها محروم میکند.» 30

(8 هشدار و نهیب به فرمانداران

علی علیهالسلام وقتی خبردار میشود که عامل او ... در یک مهمانی شرکت کرده است، نامه عتابآمیزی به او مینویسد و مگوید: «وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ، عَائِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَ غَيْبُهُمْ مَدْعُوءٌ.» 31 گناه فرماندارش این بوده که بر سر سفرهای شرکت کرده است که صرفا اشرافی بوده، یعنی طبقه اغنیا در آنجا شرکت داشته و فقرا محروم بودهاند. علی علیهالسلام مگوید: من باور نمیکردم که فرماندار من، نماینده من، پای در مجلسی بگذارد که صرفا از اشراف تشکیل شده است. 32

(9 رسیدگی به احوال مردم

علی علیهالسلام در نامه‌های به قثم بن عباس، والی حجاز، مینویسد:

«وَاجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ، فَأَقْتِ الْمُسْتَفْتَيْنِ، وَ عَلِّمِ الْجَاهِلَ، وَ ذَاكِرِ الْعَالِمَ، وَ لَايَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانِكَ، وَ لِحَاجِبِ إِلَّا وَجْهَكَ؛ 33 در هر بامداد و شام، ساعتی برای رسیدگی به امور رعیت معین کن و به سؤالات آنها شخصا جواب ده و نادان و گمراهشان را متوجهساز. با دانشمندان در تماس باش. جز زبانت واسطهای بین خود و مردم قرار مده و جز چهرهات حاجبی.»

(10 ارتباط مستقیم با مردم

علی علیهالسلام در نامه‌های به مالک اشتر مینویسد:

«وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَ تَجْلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَ تُفْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَنَتِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ حَتَّى يُؤَخَذَ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَنَتِّعٍ؛ 34 برای ارباب رجوع، وقتی مقرر کن و خود شخصا به گرفتاربهایشان برس و برای این موضوع، مجلسی عمومی تشکیل ده و در آن مجلس برای خدایت که تو را آفریده و این مقام داده، فروتنی کن. و در این موقع، ارتش و مأموران و پاسبانان را از جلوی چشم مردم دور کن تا بدون پروا و هراس، با تو سخن گویند؛ زیرا مکرر از رسولخدا صلاللهعليهواآلهوسلم شنیدم که مفرمود: هرگز ملتتی به قداست و پاکی نخواهد رسید مگر آنکه در میان آنها حق ضعفا از اقویا و نیرومندان بدون لکنت و پروا گرفته شود.» 35

پینوشتها:

- *. کلیه مطالب مقاله حاضر عیناً از کتب استاد شهید مرتضی مطهری (ره) استخراج شده است. به جهت حفظ امانت در نقل، در صورت حذف مطلب، با علامت «...» و افزودن مطلب، با علامت کروشه مشخص شده است. در ضمن کلیه عناوین و پاورقیها - به غیر از پاورقی شماره 7، 24، 34 و 35 - از گردآورنده است.
1. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج 2، ص 111 و جهانی‌توحیدی، شهید مطهری، ص 52 .
 2. حکمتها و اندرزها، ص 129.
 3. پیرامون انقلاب اسلامی، ص 145.
 4. نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، خ 229، ص 262.
 5. حکمتها و اندرزها، ص 129 و 130
 6. نهج البلاغه، خ 3، ص 11.
 7. برای اطلاع بیشتر از برنامه‌های علی(ع) در این دوران، ر.ک: سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، ص 22 - 24.
 8. نهج البلاغه، خ 92، ص 85 .
 9. بیست گفتار، ص 19 - 21 و در این زمینه، ر.ک: جهان بینی توحیدی، ص 52 و 53 و حماسه حسینی، ج 2، ص 275 و 276 و سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، ص 22 - 24.
 10. حکمتها و اندرزها، ص 126 و 127 و در این زمینه ر.ک: بیست گفتار، ص 23 - 28.
 11. مجموعه آثار، ج 2، ص 112 و جهانی‌توحیدی، ص 53. و ر.ک: داستان راستان، ج 2 - 1، ش 110، ص 328 - 333.
 12. نهج البلاغه، خ 15، ص 16.
 13. بیست گفتار، ص 21.
 14. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج 2، خ 90، ص 271 - 273.
 15. پیرامون انقلاب اسلامی، ص 146 - 148.
 16. بیست گفتار، ص 51 .
 17. پیرامون انقلاب اسلامی، ص 148 و 149.
 18. علی(ع) در روزهای گرم، بیرون دارالاماره مآمد تا مبدا مراجعه کننده‌های در آن هوای گرم به او دسترسی پیدا نکند. (بیست گفتار، ص 29 و 30. با اندکی تغییر و تلخیص)
 19. آشنایی با قرآن، ج 4، ص 62 و 63 .
 20. همان.
 21. حکمتها و اندرزها، ص 130 - 132 و 151؛ پیرامون انقلاب اسلامی، ص 44.
 22. نهج البلاغه، نامه 53، ص 338 و 339.
 23. مسئله‌های است که اهلکتاب را گاهی با شرایط ذمه می‌پذیرد و گاهی با آنها قرارداد صلح مبنی‌د. در اینجا کلمه دشمن به کار رفته که اعم (اهلکتاب و غیره) است.
 24. آشنایی با قرآن، ج 3، ص 151 و 152.
 25. نهج البلاغه، نامه 53، ص 327.
 26. بیست گفتار، ص 106.
 - 27 - 29. نهج البلاغه، خ 126، ص 124.
 30. حکمتها و اندرزها، ص 152 و 153.
 31. نهج البلاغه، نامه 45، ص 302.
 32. گفتارهای معنوی، ص 229 و در این زمینه ر.ک: انسان کامل، ص 83 - 85 .
 33. نهج البلاغه، نامه 67، ص 351 و 352.
 34. همان، نامه 53، ص 336.
 35. بیست گفتار، ص 30 و 31.

درس گفتار

پیشگاه هم‌زمان، هنرهای نمایشی و موسیقی

ترجمه فراهمزمان فراهمردیف
ویژه هنرهای نمایشی و موسیقی (فارسی به عربی)

دکتر صالح زمانی جعفری
(دکتری زبان و ادبیات عرب)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه
نمود ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Mata.hes.ac.ir
سرویس: sappi@tamihes.ir
مشاوره: ۲۱-۸۸۲۲۲۸۵

(/http://ensani.ir/fa/news/24)

کارگاه آموزشی

پیشگاه هم‌زمان، هنرهای نمایشی و موسیقی

روش‌شناسی تاریخی؛ تاریخ مفهوم

دکتر نیره دلیر
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه
نمود ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Mata.hes.ac.ir
ایمیل: efaa.com.matahcs
مشاوره: ۲۱-۸۸۲۲۲۸۵

(/http://ensani.ir/fa/news/27)

سلسله کارگاه‌های آموزشی مقاله‌نویسی

پیشگاه هم‌زمان، هنرهای نمایشی و موسیقی

کارگاه سوم

نگارش و پردازش

دکتر نیره دلیر
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه
نمود ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Mata.hes.ac.ir
ایمیل: efaa.com.matahcs
مشاوره: ۲۱-۸۸۲۲۲۸۵

(/http://ensani.ir/fa/news/29)

سلسله کارگاه‌های آموزشی مقاله‌نویسی

کارگاه اول

مسأله پژوهی - موقعیت مسأله

دکتر نیره دلیر
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه

نمونه ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Meta.ihs.ac.ir
ایمیل: etaa.com@metaihs.ac.ir
شماره تماس: ۰۲۱-۸۴۳۳۸۸۸

(/http://ensani.ir/fa/news/26)

کارگاه آموزشی

باستان‌شناسی و تاریخ هخامنشیان در آسیای صغیر

دکتر مهسا نویسی
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه

نمونه ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Meta.ihs.ac.ir
سرویس: sapp.ir/tamihcs

(/http://ensani.ir/fa/news/23)

سلسله کارگاه‌های آموزشی مقاله‌نویسی

کارگاه دوم

پیشینه پژوهی و خلق ایده

دکتر نیره دلیر
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه

نمونه ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Meta.ihs.ac.ir
ایمیل: etaa.com@metaihs.ac.ir
شماره تماس: ۰۲۱-۸۴۳۳۸۸۸

(/http://ensani.ir/fa/news/28)

درس گفتار

بامولانا و فیہ ما فیہ (۹)

دکتر صالح زمانی جعفری
(دکتری زبان و ادبیات عرب)

با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه
نمونه ثبت نام و دریافت اطلاعات بیشتر از طریق: Meta.i.h.c.s.a.c.ir
سرویس: sapp.ir/tamihcs

(<http://ensani.ir/fa/news/25>)

© کلیه حقوق متعلق به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد.
توسعه و طراحی: A.C.A CO (<http://aca.ir>)